## جلسه 108-966

**‌شنبه - 29/02/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

## مسأله 24: السجود لغیر الله

صاحب عروه در مسأله 24 که آخرین مسأله سجود هست فرموده یحرم السجود لغیر الله فانه غایة الخضوع فیختص بمن هو فی غایة الکبریاء و العظمة و سجدة الملائکة لم تکن لآدم بل کانت قبلة لها کما ان سجدتی یعقوب و ولده لم تکن لیوسف بل لله شکرا فما یفعله سواد الشیعة یعنی عامة الشیعة، عوام شیعة، من صورة السجدة عند قبر الامیرالمؤمنین و غیره من الائمة علیهم السلام مشکل الا ان یقصدوا به سجدة الشکر لتوفیق الله لهم لادراک الزیارة نعم لا یبعد جواز تقبیل العتبة‌ الشریفة.

صاحب عروه در این مسأله مطالبی را مطرح کردند که به آن‌ها متعرض می‌‌شویم:

مطلب اول این است که سجود برای غیر خدا حرام است. آقای خوئی هم فرمودند در این مطلب خلافی در او نیست، اشکالی نیست چون سجود نهایت خضوع است پس مختص است به آن خدایی که در نهایت بزرگی است.

شعار خوبی است اما دلیل نمی‌شود. دلیلش چیست؟

## نقد و بررسی ادله قرآنی حرمت سجود لغیر الله

آقای خوئی فرمودند به قرآن استدلال بکنیم آیه لا تسجدوا للشمس و لا للقمر، بقیه‌اش را نمی‌خوانیم چون آیه سجده است، ایشان فرمودند چرا سجده نکنیم برای خورشید؟ چون سجده مختص است به خدا، چرا گفت لا تسجدوا للشمس و لا للقمر، چون مردم عظمتی می‌‌دیدند برای خورشید و ماه، ‌و لذا حضرت ابراهیم در مقام جدل فلما رأی الشمس بازغة قال هذا ربی هذا اکبر فلما رأی القمر بازغا قال هذا ربی، منشأ این‌که مردم خورشیدپرست بودند این بود که عظمتی در خورشید می‌‌دیدند برای این اختصاص داده شد خورشید به ذکر یا عظمت در ماه می‌‌دیدند که روشنایی تاریکی‌ها می‌‌کند، نور است ولی خصوصیت ندارد یعنی لا تسجدوا لغیر الله.

این درست نیست، متعارف در سجود للشمس سجود عبادی بود، خورشیدپرست بودند، ماه‌پرست بودند، ‌ستاره‌پرست بودند، پرستش مختص خداست، خب اختصاص به این آیه ندارد، لا تعبدوا الا الله، این‌که بهتر است از این آیه، این‌ها سجودشان سجود پرستش بود و لذا نهی کرد لا تسجدوا للشمس و لا للقمر.

[سؤال: ... جواب:] سجود برای غیر پرستش داریم. سجود خدا پرستش خداست، سجود خدا عبادت ذاتیه است، پرستش خداست، اما سجود برای غیر خدا داریم، سجود ملائکه برای حضرت آدم.

این‌که صاحب عروه ذکر می‌‌کند در روایت هم داریم که قبله قرار دادند حضرت آدم را این خلاف آیه قرآن است، و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم نه اسجدوا نحو آدم، اما در مقابل کعبه ما سجده نمی‌کنیم للکعبة، سجده می‌‌کنیم الی الکعبة، و ابلیس از ما بهتر می‌‌فهمید چون مخاطب بود گفت أاسجد لمن خلقت طینا، و الا اگر قبله بود حضرت آدم که مشکلی ندارد، قبله بود دیگر، ‌سجود برای خداست قبله‌ات آدم است، یعنی اینقدر ابلیس مغالطه می‌‌کرد؟ بعد خدا هم به او نگفت امرتک بان تسجد لی و انما جعلت آدم قبلة.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که توجیهی که برخی از روایات ضعیفه کردند که می‌‌خوانیم و صاحب عروه هم مطرح می‌‌کند این است که می‌‌گوید حضرت آدم قبله بود مثل این‌که ما به سمت کعبه سجود می‌‌کنیم سجود برای کعبه که نمی‌کنیم لا نسجد للکعبة و انما نسجد الیها، این‌ها هم می‌‌گویند لم یسجد الملائکة لآدم و انما سجدوا الی آدم، خب این خلاف آیه قرآن است و خلاف فهم ابلیس است!!‌ خدا هم اعتراض نکرد به ابلیس که این چه حرفی است می‌‌زنی که می‌‌گویی أاسجد لمن خلقت طینا، من به تو گفتم اسجد الی آدم، اسجد لی، و لیکن آدم قبلة‌ لک این چه حرفی است که أاسجد لمن خلقت طینا.

پس سجود ملائکه برای حضرت آدم سجود پرستش که نبود، سجود تعظیم بود، حالا فرق این دو چیست باید بحث کنیم. سجود پرستش قطعا حرام است خب لا تعبدوا الا الله اما سجود تعظیم، ‌مثل رکوع تعظیم، حالا اگر کسی رکوع پرستش بکند در مقابل غیر خدا حرام نیست؟ قطعا حرام است اما رکوع تعظیمی دلیل بر حرمت ندارد. ولی مظهر پرستش سجود بود. و لذا خدا نصارا را مذمت می‌‌کند که چرا عبادت کردید عیسی بن مریم و مادرش را، بحث عبادت بود، حالا عبادت باید توضیح داده بشود که قوامش به چیست، اما بحث در این است که کسانی که می‌‌روند سجده هم می‌‌کنند در مقابل ضریح یک امام می‌‌گویند ما که پرستش نمی‌کنیم ما تعظیم می‌‌کنیم، ‌حالا در روایت داشت ینکب علی القبر، ‌در روایات در زیارت‌ها داریم ینکب علی القبر، ‌خودش را می‌‌اندازد روی قبر، این عبادت است؟ ولی آن‌هایی که عاکفین علی الاصنام بودند آن‌ها عبادت می‌‌کردند که حضرت ابراهیم هم اعتراض کرد چرا عکوف کردید، ‌عاکف هستید بر بت‌ها ولی در روایات داریم که ینکب علی القبر، می‌‌اندازد خودش را روی قبر شریف.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره همین انکباب اگر به عنوان پرستش باشد پرستش غیر خدا جایز نیست. ... ملائکه سجود کردند برای حضرت آدم، واقعا سجود کردند برای حضرت آدم نه این‌که حضرت آدم را قبله قرار بدهند اما سجودشان برای حضرت آدم پرستش او نبود. ... قرآن این را نمی‌گوید قرآن می‌‌گوید اسجدوا لآدم، ابلیس هم گفت أاسجد لمن خلقت طینا. شما می‌‌گویید خدا را سجده کنند برای خدا به‌خاطر نعمت، خدا چه نعمتی داده بود به ملائکه که آدم را خلق کرد؟ اصلا خود خدا هم گفت ملائکه!‌ من به شما نعمت دادم؟ گفت انی اعلم ما لا تعلمون، بروید بی‌سوادها شما نمی‌دانید قضیه چیست، و الا آن‌ها می‌‌گفتند أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح لک و نقدس لک، خدا هم جواب داد انی اعلم ما لا تعلمون، خدا آدم را خلیفة‌الله قرار داد چه نعمتی به ملائکه داد؟ ... ظاهر اسجدوا لآدم این است که مسجود آدم بود. ... پس شما نان هم که می‌‌آورید در خانه‌تان، وقتی گرسنگی‌اید بعد از مدتی نان پیدا می‌‌شود یک سجده هم بکنید در مقابل نان بگویید به‌خاطر این نعمتی که خدا داد.. اسجدوا للخبز دیگر. ... به‌خاطر غیر از اسجدوا للخبز است، اسجدوا لان الله رزقکم الخبز اسجدوا لله لان الله اعطاکم الخبز، خدا این را که نگفت، ‌نگفت اسجدوا لان الله خلق آدم. تازه اصلا ملائکه می‌‌گویند ما که معترض بودیم ما می‌‌گفتیم چرا آدم را خلق می‌‌کنی؟ حالا می‌‌گویی سجده هم بکنید به‌خاطر شکر این نعمت؟ نه، خدا می‌‌خواهد عظمت آدم را به رخ ملائکه بکشاند می‌‌گوید اسجدوا لآدم.

## بررسی روایات

پس آیه دلالت نمی‌کند. اما روایات طائفه زیادی است:

## روایت اول

یک روایت صحیح السند ما پیدا کردیم او را بخوانیم، وسائل جلد 20 صفحه 162، ‌کافی جلد 5 صفحه 507، کلینی نقل می‌‌کند از محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی، ‌حالا احمد بن محمد بن خالد برقی هم باشد ثقه است، از حسن بن محبوب از مالک بن عطیه که نجاشی در حق او می‌‌گوید مالک بن عطیة الاحمسی ثقة، او هم نقل می‌‌کند از سلیمان بن خالد که نجاشی می‌‌گوید کان قارئا فقیها وجها روی عن ابی عبدالله علیه السلام و ابی جعفر علیهما السلام و خرج مع زید و لم یخرج معه من اصحاب ابی جعفر علیه السلام غیره، از یاران امام باقر علیه السلام فقط همین سلیمان بن خالد بود که جزء یاران زید شد، بقیه همراهی نکردند چون می‌‌دانستند نظر امام مثبت نیست، فقطعت یده و کان الذی قطعها یوسف بن عمر بنفسه و مات فی حیاة ابی عبدالله علیه السلام و توجه لفقده و دعا لولده و اوصی بهم اصحابه. کشی هم می‌‌گوید سلیمان بن خالد کسی است که حمدویه نقل کرده از ایوب بن نوح که از ثقات بوده که از او پرسیدند سلیمان بن خالد النخعی أثقة هو گفت کما یکون الثقة. پس سند خوب است. اما دلالت و متن، عن ابی عبدالله علیه السلام ان قوما اتوا رسول الله صلی الله علیه و آله فقالوا یا رسول الله انا رأینا أناسا یسجد بعضهم لبعض فقال رسول الله صلی الله علیه و آله لو امرت احدا ان یسجد لاحد لأمرت المرأة ان تسجد لزوجها.

گفته می‌‌شود حضرت ردع کرد، یسجد بعضهم لبعض با این تعبیر که لو امرت احدا ان یسجد لاحد لامرت الزوجة ان تسجد لزوجها ردع کرد از این کار.

اشکالی که به این روایت گرفته می‌‌شود این است که این روایت می‌‌گوید من امر نکردم به سجود کسی نسبت به دیگران، اما نهی تحریمی هم کردیم؟ معلوم می‌‌شود سجود بعض الناس لبعض مطلوب شارع نیست، این را ما می‌‌فهمیم، اما حرام است؟ حرمت از این عبارت استفاده نمی‌شود، شاید خلاف مذاق شارع است. امیرالمؤمنین سلام الله علیه، ایرانی‌ها نوعا متملق و این حالت را دارند در مقابل بزرگان‌شان کرنش زیاد می‌‌کنند، آمد حضرت به همین مناطقی که نزدیک ایران بود این‌ها می‌‌دویدند دنبال مرکب امیر المؤمنین، امیرالمؤمنین فرمود چکار می‌‌کنید؟ این کاری که شما می‌‌کنید موجب ذلت خودتان و موجب غرور امیر می‌‌شود، شخصی که امیر بر شماست دچار غرور می‌‌شود فکر می‌‌کند یک تافته جدابافته‌ای است، ‌خودتان را هم ذلیل کردید این فرهنگ مطلوب شارع نیست که انسان در مقابل انسان‌های دیگر کرنش زیاد بکند، یعنی کرنش در حد اذلال نفس، حالا تعارف می‌‌کنی: خدا شما را حفظ کند سایه شما بر سر ما مستدام باشد، عیب ندارد، اما خاک پای شما هستیم، فدایت بشویم، حالا این تواضع ذلیلانه زبانی یا تواضع ذلیلانه رفتاری این‌ها طلوب شارع نیست، ‌اسلام با این مخالف است اما حرام است دلیل نداریم. اذلال نفس حرام است، این‌که حضرت علی فرمود مذلة لکم نه این‌که اذلال نفس عرفی است یعنی این فرهنگ، فرهنگ ذلیل‌پروری است و الا آن‌هایی که دنبال مرکب امیرالمؤمنین می‌‌دویدند که اذلال نفس بالفعل که نبود، حضرت می‌‌خواهد این فرهنگ را با او مبارزه بکند، ‌چون همیشه هم که حضرت نیست، این فرهنگ می‌‌ماند تا آخر.

[سؤال: ... جواب:] پشت سر مرکب علی افتخار است لولا این‌که این فرهنگ نباید تثبیت بشود. ... حضرت نهی کرد که پشت سر من این کار را نکنید به دنبال مرکب من ندوید. ... حالا این مصداق خوب انتخاب شد حالا دست علی را می‌‌بوسیدند می‌‌گفتند ما دست هر حاکمی را می‌‌بوسیم حضرت می‌‌گفت دست من را نبوسید، دست به سینه می‌‌ایستادند می‌‌گفت دست به سینه نایستید، بلند می‌‌شدند نزد حضرت علی، ‌بفرماید بلند نشوید، این را که نمی‌گوید، ‌کار، کار مذمومی بود، ‌چون کار مذمومی بود حضرت نهی کرد و الا می‌‌فرمود با این من این کار را می‌‌کنید عیب ندارد با دیگران این کار را نکنید. این فرهنگ، ‌فرهنگ ناپسندی بود اسلام با او مبارزه کرد اما حرام کرد دلیل بر حرمت نداریم. و لذا این‌که پیامبر فرمود لو امرت یعنی من امر نمی‌کنم به این کار اما این‌که این کار را تحریم می‌‌کنم از این روایت استفاده نمی‌شود.

[سؤال: ... جواب:] لو امتناعیه یعنی امر نمی‌کنم نه این‌که نهی تحریمی کردم. لو امتناعی یعنی شارع بما هو شارع این کار را نمی‌کند نه این‌که اجتماع نقیضین پیش می‌‌آید، شارع بما هو شارع امر به سجود بعض الناس لبعض نمی‌کند یعنی پیامبر امر نمی‌کند به سجود بعض الناس لبعض اما تحریم هم می‌‌کند؟ نه، ‌این استفاده نمی‌شود. ... مصلحت سجود زن بر شوهرش مبتلاست به یک مفسده اقوایی که موجب می‌‌شود کراهت پیدا کند، ‌کی می‌‌گوید باید موجب بشود حرام بشود؟ ما بحث در حرمت داریم، ‌گفت یحرم السجود لغیر الله.

## روایت دوم

روایت دوم: محمد بن حسن صفار در بصائر الدرجات از احمد بن موسی نقل می‌‌کند از حسن بن موسی بن خشاب از علی بن حسّان از عبدالرحمن بن کثیر. علی بن حسان بن کثیر هاشمی پسربرادر این عبدالرحمن بن کثیر است، هم عمو ضعیف است هم این پسر برادر، نجاشی در حق این پسر برادر، علی بن حسان می‌‌گوید ضعیف جدا ذکره بعض اصحابنا فی الغلاة فاسد الاعتقاد. کشی از ابن‌فضال نقل می‌‌کند کذاب واقفی. راجع به عم (عبدالرحمن بن کثیر) می‌‌گوید کان ضعیفا غمض اصحابنا علیه و قالوا کان یضع الحدیث. این سند روایت.

اما متن: قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یوما قاعدا فی اصحابه اذ مر به بعیر فجاء حتی ضرب بجرانه الارض، آمد روبروی پیامبر، کامل روی زمین نشست و سمت سینه‌اش روی زمین قرار گرفت، و رغا، خودش را هم به خاک مالید، ‌فقال رجل یا رسول الله أسجد لک هذا البعیر فنحن احق ان نفعل فقال لا، این شتر سجده کرد برای شما، ‌ما که احق هستیم که این کار را بکنیم؟ (‌ما از شتر کمتریم؟!!) فقال لا ‌(بله کمترین نکنید این کار را!!) بل اسجدوا لله، ثم قال لو امرت احدا ان یسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها.

[سؤال: ... جواب:] این دو تا راوی ضعیف هستند. شاید از بس اتهام به آن‌ها خورد گفتند یک حدیث هم قاطی بکنیم که دیگر هیچ‌کس ما را متهم نکند به کذاب بودن.

این هم روایت دوم که می‌‌گوید فقال لا بل اسجدوا لله.

## روایت سوم

روایت سوم: طبرسی در احتجاج نقل می‌‌کند باسناده عن العسکری علیه السلام که پیامبر بر مشرکین عرب احتجاج کرد، خوب ببینید مشرکین عرب اینقدر هم که ما فکر می‌‌کنیم‌ بی‌سواد نبودند یک چیزهایی را به هم بافته بودند. قال لهم لم عبدتم الاصنام من دون الله؟ قالوا نتقرب بذلک الی الله و قال بعضهم ان الله لما خلق آدم و امر الملائکة بالسجود له فسجدوا له تقربا لله کنا نحن احق بالسجود لآدم من الملائکة‌ ففاتنا ذلک فصورنا صورته، یک بتی درست کردیم نماد حضرت آدم، جد ما، فسجدنا لها، ‌در مقابل این نماد، ‌و الا ما هم می‌‌فهمیم که این سنگ است ولی این نماد آدم ابوالبشر است، ‌ما افسوس می‌‌خوریم که نبودیم در زمان خلقت آدم که همراه با ملائکه سجده کنیم برای آدم ابو البشر، حالا نمادی درست کردیم از ایشان سجده می‌‌کنیم به این نماز تقربا الی الله کما تقربت الملائکة بالسجود لآدم الی الله و کما امرتم بالسجود بزعمکم الی جهة مکة ففعلتم ثم نصبتم بایدیکم فی غیر ذلک البلد محاریب، ‌شما هم محراب درست می‌‌کنید در مساجدتان رو به محراب می‌‌ایستید سجده می‌‌کنید، ‌ما هم‌ آمدیم یک سنگ‌هایی تراشیدیم نماد است نماد انسان‌های مقدس یا فرشتگان مقدس است و به آن‌ها سجده می‌‌کنیم. خوب بود ما آنجاها نبودیم و الا ممکن بود فریب این استدلال را بخوریم. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله اخطأتم الطریق و ضللتم اخبرونی عنکم اذا عبدتم صور من کان یعبد الله فسجدتم له و وضعتم الوجوه الکریمة علی التراب بالسجود بها فما الذی بقّیتکم لرب العالمین، اگر سجودتان برای این نماد هاست پس برای خدا چی گذاشتید بماند؟ أما علمتم ان من حق من یلزم تعظیمه و عبادته ان لا یساوی عبیده، خدا و بنده خدا را در سجود مساوی قرار نباید بدهید، أرایتم ملکا او عظیما اذا سوّیتموه بعبیده فی حق التعظیم و الخشوع و الخضوع أیکون فی ذلک وضع من حق الکبیر؟ این حق آن انسان بزرگ ضایع می‌‌شود، کما یکون زیادة‌ فی تعظیم الصغیر، ‌قالوا نعم. قال أفلا تعلمون انکم من حیث تعظمون الله بتعظیم صور عباده المطیعین له تزرون علی رب العالمین، یعنی دارید تنقیص می‌‌کنید خداوند متعال را با تعظیم صور غیر خدا. و الله عز و جل حیث امر بالسجود لآدم لم یأمر بالسجود لصورته التی هی غیره فلیس لکم ان تقیسوا ذلک علیه. این هم راجع به سجود لآدم که خدا نگفت سجود به صورت آدم بکنید چون خدا که گفته سجود برای صور بکنید، ‌خدا به ملائکه گفت سجود بکنید به آدم، نگفت سجود به صورت آدم بکنید. این روایت این را می‌‌گوید.

[سؤال: ... جواب:] خدا خودش می‌‌گوید، ‌وقتی خودش می‌‌گوید سجده کن به آدم، این حق خدا ضایع نمی‌شود. روایات دیگر هم داریم. می‌‌گوید خدا وقتی می‌‌گوید سجده کن به آدم می‌‌گوییم خدا خودت گفتی دیگر، سجود به غیر خدا شرک که نیست تا بگویید شرک قابل تجویز نیست، ‌حق خداست سجود به غیر خدا نشود، خب خدا گفته اینجا من خودم می‌‌گویم سجود کنید به آدم، از بعض روایات این استفاده می‌‌شود. حالا می‌‌خوانیم روایاتش را. اما خدا که نگفته سجود کنید به صور آدم یا صور ملائکه. ... حق خداست که سجود بر غیر خدا نکنید الا باذنه تعالی، چه اشکال دارد؟ حق للمولی است. به قول آقای صدر گفت حق للمولی، ‌حق علی المولی که نیست، حق للمولی است، حق علی المولی که نیست که خودش نتواند اینجا اذن بدهد در سجود لآدم.

[سؤال: ... جواب:] این‌که سندش هم ضعیف است ولی ظاهرش این است که سجده نکنید برای صور، ‌نهی از سجود است، نهی از تعظیم است. ... مشرکین یک‌دست نبودند، قرآن ‌که راجع به مشرکین عرب می‌‌گوید اصلا می‌‌گوید این‌ها فقط شرک در عبادت داشتند و الا نه شرک در خالقیت خدا داشتند، و لئن سألتهم من خلقهم لیقولن الله و لئن سألتهم من خلق السموات و الارض لیقولن الله، ‌اصلا می‌‌گفتند ما نعبدهم الا لیقربونا الی الله. ... ظاهر قرآن این است که مشرکین عرب این‌جور بودند، ‌مشرکین مکه حداقل این‌جوری بودند. این‌ها فقط شرک در عبادت داشتند می‌‌گفتند این التراب و این الارباب، ما کجا و عبادت خدا کجا، ‌ما باید این مخلوق‌های مقدس خدا را عبادت کنیم این‌ها پارتی ما بشوند پیش خدا، هؤلاء شفعاءنا عند الله، ما لیاقت نداریم خدا را عبادت کنیم، ‌ما یک موجود خاکی هستیم‌، ما بیاییم خدا را عبادت کنیم؟! این‌ها خدا را قبول داشتند، در آن حصر پیامبر در شعب ابی‌طالب آن‌ها یک قراردادی داشتند که با مسلمین هیچ معامله‌ای نشود، ‌قراردادش اولش بود باسمک اللهم، بعد از چند مدت که در مکه کعبه گذاشته بودند گفتند موریانه همه را خورد فقط این باسمک اللهم ماند، و الا آن‌ها هم می‌‌گفتند باسمک اللهم، ‌کمونیست که نبودند خدا را قبول نداشته باشند، خدا را قبول داشتند منتها شریک در عبادت برای خدا قائل بودند می‌‌گفتند ما لیاقت‌مان عبادت خدا نیست مقام خدا خیلی بالاتر است ما همین نماد فرشتگانی که رب باران هستند طمعا عبادت می‌‌کنیم، بعضی‌ها رب سیل هستند خوفا عبادت می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] پرستش این‌ها بود به عنوان این‌که این‌ها ارباب هستند خدا رب الارباب است، ‌این‌ها ارباب بودند، ‌فرشته مامور باران، به این‌ها نیاز دارند، باران می‌‌خواهند، فرشته سیل را از ترس عبادت می‌‌کردند که مبادا غضب کند سیل بیاید. و هکذا. یک‌دست این‌جور بودند، ‌حالا فرق مختلفی دارند.

یکی از اشکالاتی که به ما متوجه هست این است که تک‌بعدی نگاه می‌‌کنیم به آیات قرآن، قرآن تاریخی که ذکر می‌‌کند مربوط به همه نصارا نیست، ‌مربوط به همه مشرکین نیست، مربوط به همه یهود نیست، و قالت الیهود عزیر بن الله، شما الان برو از یهودی‌ها بپرس که عزیر، ‌حالا آن‌ها اسم شبیه این می‌‌گویند، پسر خداست؟ می‌‌گویند ما هم‌چون چیزی نمی‌گوییم، این‌ها همان یهود عربستان بودند. یا مثلا در روایات ما هست که زرتشی‌ها ازدواج با محارم را جایز می‌‌دانند الان زرتشتی‌ها می‌‌گویند ما جایز نمی‌دانیم، ‌بله این زرتشتی‌ها جایز نمی‌دانند دروغ هم نمی‌گوید، یک بخشی از مجوس در زمان صدر اسلام این‌ها حالا تمرد در فرهنگ‌شان پیدا کرده بودند، ‌زرتشی بودند منتها زرتشی متمرد، ‌زرتشی افراطی آن‌ها تجویز کردند ازدواج با محارم را، ‌حالا آن مزدک بود، بابک خرمدین بود حالا هر کی بود این‌ها تجویز کردند ازدواج با محارم را. و لذا این‌که در روایات ما می‌‌بینید مجوسی که تزوج اخته نگویید مجوسی‌های الان‌ که می‌‌گویند ما ازدواج با خواهر را قبول نداریم ازدواج با محارم نمی‌کنیم، ‌اصلا هم‌چون چیزی ما نداریم، ‌راست هم می‌‌گویند، الان ندارند، ولی دلیل نمی‌شود که مجوسی‌ها در یک عهدی در صدر اسلام این‌جور نباشند. راجع به مشرکین هم همین‌طور است، یک سری‌شان همینی که قرآن می‌‌گوید خالق را خدا می‌‌دانستند، خدا را رب الارباب می‌‌دانستند می‌‌گفتند ما لایق نیستیم خدا را عبادت کنیم ما می‌‌رویم سراغ همین نماد فرشتگان ‌که این‌ها دختران خدا هستند، و جعلوا الملائکة الذین هم عباد الرحمن اناثا، می‌‌گفتند این‌ها دختران خدا هستند که می‌‌گویند خدا منزه است از این‌که دختران و فرزندانی داشته باشد، یا آن آیه که تلک اذا قسمة ضیزی این است دیگر، می‌‌گوید خودتان پسر دوست دارید هر چی دختر است می‌‌دهید به خدا، منتسب می‌‌کنید به خدا.

## روایت چهارم

روایت چهارم: مصباح المتهجد، ‌در زیارت وارث هست، ‌سندش مگر وثوق به صدور بیاورد، بعد از نماز تصلی رکعتین ثم تقول اللهم (یا اباعبدالله! صلی الله علیک یا اباعبدالله! صلی الله علیک یا اباعبدالله! صلی الله علیک یا اباعبدالله!. ‌یاد زیارت امام حسین افتادی سه بار این جمله را بگو‌) ‌بعد از نماز زیارت می‌‌گویی اللهم انی صلیت و رکعت و سجدت لک وحدک لا شریک لک لان الصلاة و الرکوع و السجود لا یکون الا لک لانک انت الله لا اله الا انت. این ظاهرش این است که سجود مشروع نیست برای غیر خدا کما این‌که رکوع هم مشروع نیست برای غیر خدا.

این هم روایت چهارم. مصباح المتهجد دارد.

## روایت پنجم

بحارالانوار هم یک زیارت دیگری دارد جلد 83 صفحه 15 آنجا هم دارد که الحمدلله الذی اکرم وجهی عن السجود الا له اللهم کما اکرمت وجهی عن السجود الا لک فصل علی محمد و آل محمد و صُنه عن المسألة الا منک حالا اکرمت وجهی عن السجود الا لک ظاهرش این است که تحریم کرده و الا اگر تحریم نکند که صدق نمی‌کند اکرمت وجهی عن السجود.

این را هم می‌‌توانیم به عنوان روایت پنجم قرار بدهیم.

## روایت ششم

روایت ششم روایت احتجاج است. عن ابی عبدالله علیه السلام ان زندیقا قال له أفیصلح السجود لغیر الله قال لا. ظاهر لا یصلح یعنی نمی‌شود. باز استظهارمان از لا یصلح حرمت است. آقای زنجانی ظاهرا همین استظهار را دارند، آقای خوئی هم داشتند. عمل غیر صالح یعنی عمل فاسد. أفیصلح السجود لغیر الله قال لا.

این مجموعه روایاتی بود دال بر حرمت سجود لغیر الله. بعید نیست وثوق به صدور بعضی از این‌ها حاصل بشود و دلالت برخی از این‌ها هم که تام بود، و لذا سجود لغیر الله اقوی این است که حرام است هر چند بعض معاصرین در تعلیقه عروه نوشتند دلیلی بر حرمت سجود لغیر الله ما نداریم، ‌نه، ظاهرا دلیل تمام است.

## کلام محقق حائری در کیفیت سجود محرم برای غیر خدا

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة می‌‌گوید سجود برای غیر خدا حرام است اما فکر نکنید سجود اختصاص دارد به وضع الجبهة علی الارض، نخیر، تعبیر ایشان هم دقت کنید بخوانم، ان‌شاءالله فردا ادامه بحث راجع به کیفیت سجود لآدم، ‌سجود لیوسف را دنبال می‌‌کنیم اما این کلام آقای حائری را الان بخوانم صحفه 270 کتاب الصلاة‌ دارد یحرم السجود لغیره تبارک و تعالی للاخبار الکثیرة و الظاهر عدم اختصاص المحرم بوضع الجبهة علی الارض بل یتحقق بوضع الخد أو الذقن او الرأس و الحاصل ان الانحناء بحیث یستقر احد الاعضاء المذکورة علی الارض و لو ببعض الوسائط سجدة و هو محرم بالادلة.

تامل بفرمایید انشاءالله فردا راجع به استثنای سجود لآدم و لیوسف و همین‌طور حکم خم‌‌شدن به حالت سجود برای تقبیل عتبه یا حتی به قصد سجود در مقابل ضریح‌های مطهر ائمه بحث می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.